



۲۰۲۰/۰۴/۰۱

دوکتور نور احمد خالدي

مذاکرات صلح

به مذاکرات قریب الوقوع صلح نباید مانند کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ برخورد کرد. نباید کشور را بی دولت دانسته و نقش دولت افغانستان را مطابق نظر طالبان در سطح یک تنظیم سیاسی محدود کرده مشروعیت آنرا مورد سوال قرار داد. اینکه در توافق میان امریکا و طالبان از کدام زبان استفاده شده دولت افغانستان را مکلف و مقید به اجرای آن نمیسازد. توافق آن دو جانب صرف در محدوده موجودیت و ختم ماموریت قوای خارجی اعتبار دارد.

هیأت مذاکره کننده که از طرف دولت معرفی شده بعد از مشوره های گسترده با افشار مختلف و تنظیمهای جهادی و احزاب و گروههای مدنی و باشمولیت نمایندگان آنها تشکیل شده است. این هیأت از نظر امریکا که یک جانب توافق با طالبان است همه شمول بوده و میتواند با طالبان مذاکرات "بین الافغانی" را انجام دهد. این گروهها در زده سال گذشته تحت حمایت قانون اساسی و با استفاده از امتیازات آن در کشور فعالیت داشته و از جانب طالبان بدیده دشمن با آنها برخورد صورت گرفته است و حالا در یک جبهه متحد با دولت برای مذاکره با طالبان برای تأمین صلح و فراهم آوری امکانات اشتراک طالبان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور آماده میباشند. طالبان صلاحیت ویتوی هیأت جانب مقابل خود را ندارند. این اصل را جامعه بین المللی تأیید کرده است.

اگر طالبان خواهان شمولیت هواخواهان خود در داخل و خارج کشور که بدون شک شامل جوانان، معلمین، استادان پوهنتون، زنان، داکتران طب، انجیران، علمای حقوق، سیاست و اقتصاد و غیره اند در مذاکرات صلح هستند، از تعداد ملاها در هیات خود کم نموده به عوض آنها یکتعداد نمایندگان این قشرها را شامل ساخته نکوشند هواخواهان خود را شامل هیأت مشترک دولت و احزاب کنند.

اگر این مذاکرات فرصتی برای تشکیل مجدد امارت اسلامی طالبان و ایجاد یک دولت تحت الحمایه پاکستان باشد این یک فرصت نبوده بلکه پیروزی طالبان و پاکستان از راه دیپلماسی در بدست آوردن اهدافی است که در جبهه جنگ موفق نشدند.

دولت افغانستان مجبور نیست مذاکرات صلح را تحت قواعد و چوکات طرح شده طالبان، پاکستان و یا حتی امریکا انجام دهد. ابعاد مربوط به شرایط خروج امریکا و ناتو میان امریکا و طالبان توافق گردیده و حالا ابعاد داخلی معضله مورد بحث طالبان با هیأت دولت و احزاب سیاسی قرار میگیرد

پایان